

قاتلی پاک همچون برف

www.ketab.ir

کریستیان بوبن

ترجمه‌ی:

مهوش قویمی



انتشارات آشیان

Bobin, Christian

UN assassin blanc comme neige

سرشناسه : بوین، کریستیان، ۱۹۵۱ - م. Bobin, Christian
عنوان نام پدیدآور : قاتلی پاک همچون برف
مشخصات نشر : تهران: آشیان، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری : ۸۸ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک : 978-600-7293-11-9
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپای مختصر
یادداشت : فهرست‌نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nlai.ir> قابل دسترسی است
یادداشت : عنوان اصلی: UN assassin blanc comme neige.
شناسه افزوده : قویمی، مهوش، ۱۳۲۶ - مترجم
شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۷۷۰۷۹


www.ketab.ir
انتشارات آشیان

کریستیان بوین

قاتلی پاک همچون برف

ترجمه‌ی: دکتر مهوش قویمی
طراحی و آماده‌سازی روی جلد: منیره بهرامی
چاپ دوم: ۱۴۰۳
تیراژ: ۲۰۰ نسخه
قیمت: ۶۵۰۰۰ تومان

مرکز فروش: خیابان انقلاب، خیابان فخررازی، کوچه فاتحی‌داریان، پلاک ۵، طبقه اول

تلفن: ۶۶۹۷۲۷۹۲ - تلگرام و واتساپ: ۰۹۹۰۸۹۸۴۷۵۷

ashian2002@yahoo.com

ISBN: 978-600-7293-11-9

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۹۳-۱۱-۹

به جای مقدمه

خواندن و سر خم کردن روی کتاب، همانا کشف چهره خویش در چشمه کاغذهای سفید و آینه و آنگاه بر متن است. (از متن کتاب)

هرچه می‌گذرد، می‌بینیم که این زیستگاه حرکت، بی حساب و کتاب نیست (گرچه بسیار زیاد یادمان می‌رود و به یاد فریدون مشیری اسیر گرگ درونمان می‌شویم و...) و هیچ اتفاقی نیز خود به خود رخ نمی‌دهد.

با او با ابله محله شروع کردم که ادامه دارد، اوایل فکر می‌کردم که او در دنیای غیرواقعی سیر می‌کند، نفس می‌کشد و راه می‌رود، اما رفته رفته و هرچه گذشت و در لابلای چرخنده‌های دشوار این زمانه، بیشتر متوجه شدم که او از قضا واقع‌بین و واقع‌گرا است و تنها شیوه‌ی نوشتار و تمثیل اوست که متفاوت است؛ ژرف و عمیق و کارساز و راهگشاست. زبان و احساس‌اش از خشکی و زمختی به

دور است و این پیکانی است برای نفوذ به قلب آدم‌هایی که می‌شناسندش یا می‌خواهند بشناسندش. او بدون اینکه از تلخی‌ها، دردها و مصیبت‌ها فرار کند، بدون آنکه به انکار زشتی‌ها پردازد و با آنکه می‌داند در این هیاهوی توخالی و پوچ چه می‌گذرد همواره به تو درس آزادی و عشق می‌دهد. درس‌هایی که در این زمانه فقط و گاهی پوستین‌اش را می‌پوشیم یا به طور کلی با مفاهیم آن بیگانه‌ایم. او با توجه به آگاهی کم‌نظیری که از انسان دارد، به شیوه خاص خود درس‌های انسان‌بودن را می‌آموزد. در فراتر از بودن از «دوست‌یابی» اسم می‌برد، کتابی که در آن راوی داستان از اعدام هم‌کاری‌اش به خاطر شرکت در توطئه علیه هیتلر خبر می‌دهد. با توجه به همه این‌ها است که از زیبایی‌های اصیل و حقیقی می‌نویسد، به عبارتی معنی خوف‌ناکی را می‌فهمد و خیلی خوب به انتقال آنها می‌پردازد. او قبلاً گفته بود: «نادر اشخاصی قادرند عاشق شوند، زیرا نادر اشخاصی قادرند همه چیز را از دست دهند؛ و برای رسیدن به دوردست است که می‌بایست از نزدیکی‌ها گذشت و گذشتن از نزدیکی‌ها از نگاه او به سهولت میسر نیست، او می‌داند که ارزش‌های انسانی، از جمله عشق، بهای گزافی دارد.

چند لحظه بعد، روی سرایشی تند جاده، ابر سفید را می‌بینم که روی شکوفه‌های صورتی درخت گیلان له می‌شود. تضادم را شاهد بودم اما کاری جز لذت بردن از دستم برنیامد. (از متن کتاب)

درباره‌ی نویسنده

کریستان بوبن در سال ۱۹۵۱ در شهر کوچک کروزو، در کشور فرانسه، به دنیا آمد. در رشته‌ی فلسفه تحصیل کرد و اولین کتابش **نامه‌ی سرخ** را در بیست و شش سالگی به چاپ رساند.

او نویسنده‌ی آثاری است که عنوان هر یک از آنها، مانند پاره‌ای از یک معما، عنوان‌های دیگر را روشن می‌کند و از آن جمله می‌توان: فراتر از بودن، دیوانه‌وار، دلباختگی، اسیر گهواره، ستایش از هیچ و روشنایی جهان را نام برد.

اکثر منتقدان کریستیان بوبن را شاعری می‌دانند که «حکایت» برایش جز دستاویزی جهت سرایش شعری منشور نیست. شعری خوش‌آهنگ و دلنشین که تشبیهات و استعاره‌های غافلگیرکننده‌اش گاه خواننده را مبهوت و متحیر می‌کند و تسکین و آرامشی ویژه به ارمغان می‌آورد.

ژرفای آبی چشم‌های ولگران رفته رفته یخ می‌بندد. ثروت فک‌هایش را به هم می‌فشرد. دنیا لوحی گچی است که از دیوار جدا می‌شود و آنچه از زیر لوح رخ می‌نماید به سختی آهن است. به زودی جز ابرها، گل‌ها و چهره‌ی چند گرگ - از آن چهره‌هایی که دست لاک زده‌ی ثروت هنوز پاکشان نکرده و پیرایه‌ی مردم گریزی باشکوهی را حفظ کرده‌اند - هیچ پدیده‌ی مهرآمیزی باقی نخواهد ماند. امروزه اگر بخواهیم بدانیم که روح به چه شباهت دارد باید در میان تصاویر قدیمی جستجو کنیم، تصاویر معدن‌چیان با چشم‌هایی از چینی سفید که روی پوست و گوشتی سیاه می‌غلطند، یا در چشم‌های نوزادانی که در گهواره‌هایی مزین به تورهای بسیار، مبهوت مانده‌اند. کتاب‌ها برای روح بسان آشیانه‌ی پرندگانی نیستند، بسان آخور و سنگرهای پایداری‌اند. دستی کاغذی راه می‌راند روی انسان‌هایی که نمی‌بینم دراز می‌کنم. من توانایی آن را دارم که پشت دیوای آهنی را ببینم: آن‌گاه که از جهنم گذر کنیم، به سوی پدیده‌هایی بسیار زیبا خواهیم رفت. مادرم یک‌بار گفت که من در فاصله‌ی دو قهقهه‌ی او به دنیا آمده‌ام، توضیح نکته‌ی این جمله بی‌شک این است: ما از مسیر بدترین رخدادهای به سوی لطیف‌ترین و پر نشاط‌ترین پیشامدها گام برمی‌داریم، رویدادهایی هماهنگ با رمز و راز روح‌مان.